

بسم الله الرحمن الرحيم

در بحث فقه معاصر مطرح شد امام چگونه فقه را مطرح کردند که بتواند پاسخگویی نیازهای بشریت تا قیامت باشد یکی از روش‌ها افتتاح باب اجتهاد است بلکه اصحاب خود را به اجتهاد و استنباط تشویق می‌کردند و روش آن را به اصحاب خود آموزش می‌دادند؛ بنابراین در شیعه باب اجتهاد منسد نیست.

ان قلت: دلیل انسدادی در اصول فقه چیست آیا انسداد باب اجتهاد نیست

قلت: دلیل انسداد خود دلیل روشنی است بر افتتاح باب اجتهاد است. مجتهد انسدادی در عرصه حجیت ظواهر حدیث با پنج مقدمه دلیل انسداد را ثابت می‌کند می‌فرماید دلیل ظنی حجت است بنابراین دلیل انسداد برهانی است بر افتتاح باب اجتهاد است.

روایات علاجیه

از جمله روایاتی که با آنها می‌توان بر افتتاح باب اجتهاد استدلال کرد، روایات علاجیه است. در این روایات آموزش می‌دهد اگر دو روایت متعارض بودند راه حل تعارض آنها چیست؟ از جمله آن موارد که در روایات علاجیه به عنوان مرجح مطرح می‌شود عبارت از موافقه الکتاب، شهرت روایی، صفات روایی است. برخی از عناوین در تعادل و تراجیح بحث شد ممیز هستند و تنها مرجح نیستند.

شیوه استدلال بر افتتاح باب اجتهاد با اخبار علاجیه

ائمہ معصومین نه تنها راه استنباط احکام را آموزش داده اند بلکه طریقه استنباط را در موارد تعارض روایات را نیز بیان کردند. بیان فرموده اند اگر دو روایات تعارض داشته باشند علاج آن چیست. در کتاب وسائل الشیعه (ج ۲۷ ص ۱۰۶) از ابواب صفات قاضی باب نه چهل و هفت روایت را نقل کرده است این روایات گویای این است که امامان علیهم السلام اجتهاد را اجازه داده اند. بنابراین آنچه تا کنون بیان شد پاسخ گوی قول به افتتاح باب اجتهاد است.

استدلال به دو طایفه روایت

برخی از بزرگان به دو طایفه از روایات تمسک کرده اند، آنها دال بر انفتاح باب اجتهاد دیده اند

طایفه اول: روایات «افت للناس»

یک طایفه روایاتی که امام ع به روای می گوید فتوا بده، «افت للناس» آن را به انفتاح باب اجتهاد معنی کرده اند، و به وضوح انفتاح باب اجتهاد در هر عصر و زمان را روشن می کند و گفته اند إفتی غیر از نقل روایت یا قرائت آیات است.

نهج البلاغه نامه ۶۷

نهج البلاغه (للصباحی صالح) ؛ ؛ ص ۴۵۷

أَمَّا بَعْدُ فَأَقِمِ لِلنَّاسِ الْحُجَّ - وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ وَ اجْلِسْ لَهُمُ الْعَصْرَيْنِ فَأَفْتِ الْمُسْتَفْتَى وَ عَلِّمِ الْجَاهِلَ وَ ذَكِّرِ الْعَالِمَ وَ لَا يَكُنْ لَكَ إِلَى النَّاسِ سَفِيرٌ إِلَّا لِسَانُكَ وَ لَا حَاجِبٌ إِلَّا وَجْهُكَ وَ لَا تَحْجُبَنَّ ذَا حَاجَةٍ عَنْ لِقَائِكَ بِهَا فَإِنَّهَا إِنْ ذِيدَتْ عَنْ أَبْوَابِكَ فِي أَوَّلِ وَرْدِهَا لَمْ تُحْمَدْ فِيمَا بَعْدُ عَلَى قَضَائِهَا وَ انْظُرْ إِلَى مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ مِنْ مَالِ اللَّهِ فَاصْرِفْهُ إِلَى مَنْ قَبْلَكَ مِنْ ذَوِي الْعِيَالِ وَ الْمَجَاعَةِ مُصِيباً بِهِ مَوَاضِعَ [الْمَفَاقِرِ] الْفَاقَةِ وَ الْخَلَّاتِ وَ مَا فَضَلَ عَنْ ذَلِكَ فَاحْمِلْهُ إِلَيْنَا لِنَقْسِمَهُ فِيمَنْ قَبْلَنَا وَ مُرْ أَهْلَ مَكَّةَ أَلَّا يَأْخُذُوا مِنْ سَاكِنٍ أَجْراً فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ - سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَ الْبَادِ فَالْعَاكِفُ الْمُقِيمُ بِهِ وَ الْبَادِ الَّذِي يَحْجُجُ إِلَيْهِ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهِ وَ فَقَّنَا اللَّهَ وَ إِيَّاكُمْ لِمَحَابِّهِ وَ السَّلَامِ

مراسم حج را برای مردم قامه بکن و ایام الله را برای آنها یاد آوری کن و عصرین (صبح و شب) یا عصریین، عصرها برای مردم بنشین جواب مسائل مردم را بده، جواب کسی که حکمی را از تو می خواهد بده، جاهل را آگاه کن و با علما اهل مذاکره باشد. امام علیه السلام به قثم بن عباس می فرماید: کسی که از تو فتوا می خواهد برای او فتوا نقل کن. گفته اند این نقل فتوا غیر از نقل روایت است.

قثم بن عباس فرماندار مکه بود. قُثم از قائم به معنای شخص سخاوتمند و پر بخشش بوده است. یکی از یازده فرزند عباس عموی پیامبر است - عباس عموی پیامبر یازده فرزند (دختر و پسر) داشت، به نام های عبدالله، عبید الله، فضل، تمام، قُصی، معبد، کثیر، حارث، عبدالرحمن، آمنه و صفیه - فرزندان عباس عموی پیامبر از لیاقت ها یا جرابی ویژه برخوردار بودند، عبدالله بن عباس که معروف و مشهور است. قثم خوش سیما و گشاده رو، خوش اندام و شیرین

سخن و صراحت در کلام داشت، سیمای او بسیار شبیه رسول الله بود. پدر او عباس در باره اش می گفت بایی و امی یا قثم یا شبیه ذی الکرم؛ پیامبر عنایت ویژه ای به قثم داشت و رزمنده در جنگ های پیامبر بود و تا آخر با پیامبر و امام علی بود، کمک کار امیر المومنین در دفن پیامبر بود و یا ممنوعیت عثمان ابوذر غفاری را بدرقه کرد، جزو اولین یاران امیر المومنین بعد از بیست و پنج سال و افشاگر توطئه ناکسان بوده است. شدیداً علاقمند به امام علی بود از او سؤال شد امیر المومنین چه امتیازی داشت که عباس پدر او نداشت؟ گفت کان اولنا برسول الله لحوقاً و اشدنا به لسوقاً، استانداری مکه را امام علی علیه السلام به او سپرد و امیر الحاج عصر حکومت امام علی بود و در جنایتی ابن ملجم مرتکب شد و در حال فرار بود امام علی علیه السلام فریاد زد او را بگیرید اما هرکس نزدیک او می شد را با شمشیر خود تهدید می کرد قثم به ابن ملجم حمله کرد و او را بر زمین کوبید ابن ملجم ملعون به امام علی گفت سگت را از من دور کن بنابراین قثم سبب شد ابن ملجم تروریست فرار کند. قثم تا زمان شهادت امام علی علیه السلام یار حضرت بود و سرانجام در جنگ سمرقند او را می کشتند، مرقت قثم در بیرون شهر سمرقند است.

مطلب اول- معنی فتوا

در مجمع البحرین می فرماید

مجمع البحرین؛ ج ۱، ص: ۳۲۶

و "الفتیاء" بالياء و ضم الفاء و "الفتوی" بالواو و فتح الفاء: ما أفتی به الفقیه، یقال: "استفتیت الفقیه فی مسألة فأفتانی" و تفتأوا إلى الفقیه: إذا ارتفعوا إليه فی الفتیاء. و أفتانی فی المسألة: بین حکمها، و الجمع "الفتاوی" بكسر الواو. و قيل: و يجوز الفتح للتخفيف.

سخن مجتهد فتوا است، به نقل فتوا نیز فتوا گفته می شود به عبارت دیگر فتوا فقط استنباط نیست بلکه نقل فتوا نیز فتوا است اگر امام علی علیه السلام به قثم بن عباس بفرماید افت للناس، فتوای امام علی را برای مردم نقل کند امر امام علی را امتثال کرده است. تبیین حکم فتوا است خواه فتوای استنباطی یا فتوای تقلیدی. بنابراین دلیل اعم است و منطبق بر استنباط نیست

مطلب دوم: اجتهاد قثم

اولاً- قثم در زمان وفات پیامبر هشت سال داشت، در خوردسالی پیامبر را دیده است و چگونه می تواند مجتهد باشد ولی با این دلیل نمی توان افتتاح باب اجتهاد را ثابت کرد. چیزی از پیامبر در یاد او نیست اضافه بر آن در دو بیست و پنج ساله سکوت امام علی علیه السلام حضرت شاگرد داشته باشد. موردی نداریم که از امام حسن و امام حسین و امام سجاد علیهم السلام سؤال شده است چون ائمه معصومین تحت نظارت دستگاه بودند بنابراین قثم حتی اجتهاد بسیط را نداشته است. در مورد شاگردان امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز می گوئیم نقل فتوای آنها عام است و به معنای استنباط نیست به در این مورد فتوا به معنای خاص است یعنی نقل فتوای حق است که عبارت از فتوای امام علیه السلام است. بنابراین نمی تواند افتتاح باب اجتهاد را با این دسته روایات ثابت کنیم.

ثانیاً- کتابی بنام دائرة المعارف صحابه پیامبر اعظم که هفت جلد و با اشراف محمد هادی یوسفی غروی نوشته شده است؛ درباره قثم، اسمی از- با این همه افتخارات و محبوب پیامبر بوده و یا خاص امام علی علیه السلام- نقل نکرده است.

روایت ابان بن تغلب

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۷، ص: ۳۱۵

أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ النَّجَاشِيُّ فِي كِتَابِ الرِّجَالِ، قَالَ سَلَامَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَرَزَنِيُّ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ صَالِحِ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ أُمِّيَّةَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ أَبِي حَيَّةَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَلَمَّا أَرَدْتُ أَنْ أَفَارِقَهُ وَدَعْتُهُ وَقُلْتُ أَحِبُّ أَنْ تُزَوِّدَنِي فَقَالَ أَتَيْتَ أَبَانَ بْنَ تَغْلِبٍ فَإِنَّهُ قَدْ سَمِعَ مِنِّي حَدِيثًا كَثِيرًا فَمَا رَوَى لَكَ فَارَوْهُ عَنِّي: قَالَ: وَ قَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَ اجْلِسْ فِي مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ وَ أَفْتِ النَّاسَ فَإِنِّي أَحِبُّ أَنْ يُرَى فِي شِيعَتِي مِثْلَكَ

توشه سفر را زاد می گویند. و افت للناس ظهور در اجتهاد ندارد و در زمان حاضر مرجع تقلیدی به شخصی بگوید در مسجد بنشیند و فتوا را بگوید به معنای گفتن فتوای خود نیست بلکه حکم الله را بگوید که می تواند تقلیدی و استنباطی باشد بنابراین از این دسته روایات نمی توان افتتاح باب اجتهاد را ثابت کرد. از روایات نهی از فتوای بدون علم نیز نمی توان افتتاح باب اجتهاد را ثابت کرد.